

## گزارش

«چالش قانون» سیاست های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹) را معرفی، نقد و بررسی می کند:

# سرگردانی سیاست های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد در ساماندهی امور ایثارگران!؟



دکتر محمدرضا ناری ابیانه

### اشاره

**سیاست های کلی نظام در زمینه ها و موضوعات گوناگون از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و تصویب و جهت اجرا به قوای سه گانه ابلاغ شده است. بررسی های میدانی موید این واقعیت است که سیاست های کلی از سوی قوای سه گانه انطور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. بسیار بجاست که نخبگان و اندیشمندان با عمل به رسالت تاریخی، نقطه نظرات خود را پیرامون سیاست های کلی و نقش و کارآمدی آن در جامعه بیان کنند. این نوشتار به معرفی، نقد و بررسی سیاست های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران می پردازد که هم اکنون از نظر خوانندگان می گذرد:**

### معرفی سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران

۱- اعتلاء، ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار، جهاد، شهادت و تفکر بسیجی در جامعه و نهادینه ساختن آن در اندیشه، باور، منش و رفتار مردم و مسئولان و مشارکت دستگاهها و ارکان نظام و لایه های مختلف اجتماعی در اجرای سیاست های مربوط به ایثارگران.

۲- تعظیم و تکریم ایثارگران و پاسداری از منزلت و حق عظیم آنان بر مردم و کشور با تبیین نقش بزرگ و برجسته آنان در انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، دفاع مقدس و امنیت ملی.

۳- بستر سازی، ایجادو توسعه ظرفیت های لازم در رسانه ها به ویژه صدا و سیما، نظام آموزشی کشور و دستگاههای فرهنگی و هنری و به منظور تحقق بندهای اول و دوم و ترویج اهداف، آرمانها، وصایا و آثار ایثارگران و ارائه الگوهای جهاد و حماسه و فداکاری و معرفی قهرمانان عرصه جهاد و شهادت به جامعه.

۴- حمایت از تولید آثار ارزنده فرهنگی و هنری در جهت اشاعه فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت در جامعه.

۵- تحقیق، شناسایی و ترویج مستمر عوامل تقویت‌کننده فرهنگ جهاد، ایثار و شهادت و مقابله با عوامل بازدارنده و تضعیف کننده آن.

۶- توانمندسازی فردی و اجتماعی با اهتمام به پرورش استعداها و ارتقاء سطح علمی، فنی و فرهنگی ایثارگران و فرزندان آنها به منظور تقش‌آفرینی فعال و مؤثر در عرصه‌های مختلف و اولویت دادن به استفاده از ایثارگران در بخش‌های مدیریتی در شرایط مساوی.

۷- اولویت قائل شدن شدن برای ایثارگران در سیاست‌گذارها، برنامه‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های کشور و نیز در تخصیص و توزیع امکانات و حمایت‌های دولتی و فعالیت‌ها در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور به تناسب ایثار و جهاد در راه آرمانهای اسلام و اهداف انقلاب اسلامی.

۸- شناخت نیازهای واقعی و ارائه خدمات مؤثر فرهنگی، علمی، آموزشی، اجتماعی، بهداشتی، درمانی، بیمه ای، معیشتی، اشتغال، مسکن، حقوقی، اداری، رفاهی و استخدامی با حفظ اصول عزتمندی، عدالت و روحیه خوداتکایی و ششون ایثارگری.

۹- مناسب‌سازی بناها و مراکز خدمات عمومی، معابر شهری، مراکز اداری، تفریحی، ورزشی و وسائط نقلیه عمومی با وضعیت جسمی جانبازان و ناتوانی‌های جسمی و حرکتی منطبق بر معیارهای مطلوب.

۱۰- توسعه مراکز علمی و پژوهشی و ارتقاء ظرفیت ها، توانمندی ها و فناوری ها و اهتمام به تأمین تجهیزات و آموزشها و مراقبت‌های لازم برای پیشگیری، درمان و کاهش آسیب‌های فردی و جمعی ناشی از جنگ و تهدیدات.

۱۱- صیانت و حفاظت از حریم ایثار‌گری، ایثارگران و خانواده آنها با ایجاد ساز و کارهای مناسب توسط قوه قضائیه.

۱۲- حفظ و ترویج آثار، ارزش ها، حماسه ها و تجارب انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با ایجاد، توسعه و نگهداری موزه ها، یادمان ها، نمادها و نشانیهای جهاد، مقاومت و ایثار و پاسداشت قداست و منزلت تربت پاک شهیدان و ساماندهی و نگهداری مناسب آنها به صورت مراکز فرهنگی توجه: «چالش قانون» برای انعکاس پاسخخ های مجمع تشخیص مصلحت نظام یا اعضای آن، اعلام آمدگی می نماید. ضمنا از ارائه نقد و پیشنهادات مشفقانه عموم اندیشمندان و نخبگان پیشاپیش سیاست‌گزار است.

### نقد و بررسی سیاست های کلی

- خلط سیاست های کلی با اجرا و برنامه های اجرایی معنای سیاست کلی در ادبیات برنامه ریزی جهان و ایران دارای مفهوم خاصی است. سیاست های کلی راهبردهای عمده و کلانی است که از بین

مسیرهای متعدد قابل دستیابی انتخاب می شوند تا بتوان در بلند مدت به کمک آنها چشم انداز و اهداف مرتبط با آن را محقق ساخت (مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، جلد دوم، صفحه ۸۶۷ و نظام برنامه ریزی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷). سیاست های کلی مجموعه ای از جهت گیری ها و راهبردهای کلان نظام برای تحقق آرمان ها و اهداف قانون اساسی در دوره زمانی مشخص می باشند (گزارش کارگروه مشترک برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷). در مواردی از سیاست های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران، موضوع سیاست های کلی با برنامه های اجرایی و اقدامات عملی خلط شده است. کارایی برنامه های اجرایی در ادبیات برنامه ریزی اجتماعی با سیاست های کلی دارای تفاوت های اساسی است.

- خلط سیاست های کلی با اهداف

هدف عبارت است از غایت خواسته های جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که منبعث از نظام ارزش های حاکم بر جامعه است و برنامه ها برای دستیابی به آنها تدوین می شود. هدف مکن است کمی یا کیفی باشد ولی دارای این ویژگی است که در پایان زمان برنامه می توان درجه نسبی تحقق آن را تعیین کرد (مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، جلد دوم، صفحه ۸۶۷ و فرهنگ توصیفی واژگان برنامه ریزی و توسعه، صفحه ۳۰۳). در مواردی از سیاست های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران با اهداف خلط شده است. کارایی اهداف در ادبیات برنامه ریزی اجتماعی با سیاست های کلی دارای تفاوت های اساسی است. تشخیص سیاست های کلی از اهداف کار دشواری است و مطالعه دقیق و تجربه کار بسا واژگان کلان در برنامه های اجتماعی می تواند راهگشا باشد.

- ناهماهنگی سیاست های کلی با اسناد فرادست کشور از آنجا که ارتباط سیاست های کلی با اسناد فرادست کشور بصورت ارگانیکستیک برقرار نیست، وجود ناهماهنگی در برنامه ریزی و اجرا بین سیاست های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران و اسناد فرادست کشور کاملا قابل پیش بینی است. این دست ناهماهنگی ها در برنامه ریزی و اجرا، مجریان و برنامه ریزان رده های پایین تر را در کار با این سیاست ها مردد می سازد و زمینه را برای سوء استفاده های احتمالی مهیا می کند. از این رو دستست آنها برای هر گونه اقدام دلخواه باز است تا به نحو مورد نظر خود و احياناً منافع شخصی و گروهی خود از آن بهره برداری کنند.

- وجود سیاست های کلی بدون تکلیف در اسناد فرادست

در موارد متعدد سیاست های کلی بصورت خودمختار در نقش اسناد فرادست ظاهر شده اند و تکالیف دیگری بدون پایه و اساس فرادستی برای مجریان قانون ایجاد کرده است. این امر ضمن ایجاد خلل در سلسله مراتب قانون در کشور، مجریان قانون را در اجرای سیاست های ناهماهنگ و ناهمگون دچار تردید می کند. با وجود این باید منتظر آثار و عواقب سوء بروز اختلالات ناشی از ناهماهنگی های شکلی و ماهیتی سیاست ها بود. از این روست که برخی معتقدند که اسناد فرادست در کشور مورد بی اعتنایی و بی مهری قرار گرفته اند و ظاهرا بنا نیست بطور کامل اجرایی شوند.

- تفاوت سیاست های کلی با علاقمندی های شخصی یا منافع حزبی و گروهی

در برخی از موارد اعلام نظرهای مخالف با سیاست های کلی با انگیزه های سیاسی، و حزبی و جناحی وجود دارد که نشانه وجود مقاومت در دستگاه های اجرایی برای اجرای سیاست های کلی است. مخالفت با انگیزه های سیاسی می تواند به روند حل مشکلات زندگی مردم ضربه وارد کند و اینگونه است که جناح های سیاسی یا یک اندیشی ها و کج سلیقهی خود،

فرصت های فراوانی را در خدمت به مردم هدر داده اند. گذشت زمان و حواله دادن حل مشکلات به آینده و نپایشستگی آنها بر روی هم نیز خود مشکلات را افزون تر از گذشته کرده است و گره بازنشدنی مشکلات زندگی مردم را کور کرده است. معمولاً در دستگاه های اجرایی بصورت هماهنگ نسبت به سیاست های کلی، موضع گیری وجود دارد. بسی توجهی دولت ها- تاکنون نمونه بارز این دست موضع گیری های سیاسی نسبت به سیاست های کلی نظام است.

- عدم وجود رابطه ارگانیک بین سیاست های کلی و برنامه های پنج ساله توسعه و برنامه های سالانه

سیاست های کلی با بدنه نظری و مفاهیم پایه برنامه های پنج ساله توسعه و برنامه های سالانه کشور دارای ارتباط و اتصال ارگانیک نیست. نمی توان ارتباط آنها را با هم به لحاظ روشی درک کرد. بی ارتباطی این دو با هم موجب سرگردانی از آن نیست و گاها ملاحظه می شود بصورت وصله ناهم‌رنگ با اتصال ناچسب، مجموعه اقدامات دستگاه های اجرایی به سیاست های کلان موضوعی خوانانده می شود بدون آنکه به لحاظ روشی و مبنایی هماهنگی لازم بین آنها وجود داشته باشد. اینگونه به نظر می رسد که سیاست های کلی نظام از نوعی زبان خصوصی و سلیقه ای برخوردار است که جز تدوین کنندگان و تصویب کنندگان آن، از سوی سایرین بویژه قوای سه سه گانه قابل اجرا نیست.

- عدم ارائه گزارش عملکرد سیاست های کلی از زمان تصویب تاکنون

یکی از امور مهم که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد غفلت قرار گرفته است ارائه گزارش عملکرد سیاست های کلی تصویب شده بصورت سالانه است. سیاست های کلی پس از ابلاغ در جامعه ذینفعان آن - حاکمیت سلیقه و زبان خصوصی در تدوین سیاست های کلی بررسی میدانی و جامعه نگر سیاست های کلی نشان می دهد که ادبیات تکراری موجود در آن به لحاظ ناکارآمدی و تکراری بودن مورد اجماع و توافق عقلانیت جامعه در عمل نیست. انگار قوه عاقله کشور در کارآمدی قاطع آن به دیده تردید می نگرذ. از این رو رجز در موارد خاص، نام و یادی از آن نیست و گاها ملاحظه می شود بصورت وصله ناهم‌رنگ با اتصال ناچسب، مجموعه اقدامات دستگاه های اجرایی به سیاست های کلان موضوعی خوانانده می شود بدون آنکه به لحاظ روشی و مبنایی هماهنگی لازم بین آنها وجود داشته باشد. اینگونه به نظر می رسد که سیاست های کلی نظام از نوعی زبان خصوصی و سلیقه ای برخوردار است که جز تدوین کنندگان و تصویب کنندگان آن، از سوی سایرین بویژه قوای سه سه گانه قابل اجرا نیست.

- عدم ارائه گزارش عملکرد سیاست های کلی از زمان تصویب تاکنون یکی از امور مهم که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد غفلت قرار گرفته است ارائه گزارش عملکرد سیاست های کلی تصویب شده بصورت سالانه است. سیاست های کلی پس از ابلاغ در جامعه ذینفعان آن

با چه سرونشتی روبرو شده است. آیا میان میدان جامعه در اجرا یا در کنج گنج‌ها و کتابخانه ها مشغول خوردن گرد و خاک است. زندگی جامعه گرا یا آرشیوی سرونشت قابل پیش بینی سیاست های کلی نظام است که اعلام نظر اندیشمندان در تحولات اجتماعی و رشد روزافزون مشکلات در زندگی مردم می تواند ارجحیت یکی را بر دیگری تعیین کند.

- عدم رعایت هماهنگی شکلی و ظاهری قانونگذاری در تدوین سیاست های کلی

نگاه گذرا به مجموعه سیاست های کلی نظام نشان می دهد که رویه واحدی در تدوین و تصویب سیاست های کلی وجود ندارد. ناهماهنگی در عناوین داخلی و طبقه بندی سیاست ها، جاافتادگی برخی از سیاست ها پس از گذشت ۲-۱ دهه، نحوه شماره گذاری بندهای سیاست ها، بکارگیری نشانه ها مانند نقطه، نقطه ویرگول، کاما و… از جمله ضعف های ظاهری سیاست های کلی است. در برخی از سیاست ها، افعال گزاره های سیاستی در شکل اسم مصدر و در بعضی در قالب جمله کامل دارای فعل بکار رفته است. اندازه جملات و معنانشاسی واژگان نیز در بسیاری از موارد دارای اسنجام درونی لازم نیست.

- نظارت ناپذیربودن مصوبات مجمع توسط نهادهای نظارتی

از نظر قانون، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی نهادهای فرادست قانونگذاری قابل نظارت نیست. نظارت ناپذیر بودن مصوبات مجمع بطور طبیعی برخی ناهماهنگی ها و ناسازگاری ها را با همراه دارد زیرا نهاد ناظری وجود ندارد که زمینه هماهنگی را فراهم و از زمینه ناهماهنگی ها مقابله کند. مجمع تشخیص مصلحت نظام برای انجام وظایف و ماموریت های خود سنند فرادستی جز قانون اساسی ندارد و باید برنامه های کلان و خرد خود را بر اساس آن تنظیم کند. اما اگر نهادی بر عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام نظارت داشت می توانست که به اقدامات کوتاه و بلندمدت آن جهت بدهد و آنها را برای نقش آفرینی مؤثر مهیا سازد.

- ناهماهنگی مصوبات مجمع با شرع و قانون اساسی موضوع تطبیق مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام با شرع و قانون اساسی مشکلی است که راه حل مناسبی برای آن وجود ندارد. جایگاهی مانند شورای نگهبان وجود ندارد که همچون مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت را بر اساس شرع و قانون اساسی بسنجد و مغایرت های آن را مشخص سازد. از این رو این اشکال و همیشه وجود دارد که تأمین کننده وجه شرعی و تناسب دهنده با قانون اساسی در مصوبات مجمع چیست؟ شاید یکی از دلایل منتقدان سیاست های کلی نظام نیز اشاره به همین موضوع است. ناهماهنگی سیاست های کلی با شرع و قانون اساسی، جایگاه اجتماعی هر سر ها با مخاطره مواجه ساخته است.

- غلبه بخش های مصوبات مجمع

یکی از ضعف های کاملا قابل ملاحظه در سیاست های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران، محدود کردن آنها به روابط بخشی است در حالی که حیات سیاست ها آن هم از نوع کلی آن، وابسته به نگاه بین بخشی و فرابخشی آن است. جزیره انگاری کارکردهای اجتماعی می تواند سیاست های کلی نظام را در موضوعات خاص تاحد سیاستگذاری اجرایی در سطح یا اداره و سازمان با نزول شان نظری و عملی مواجه کند. به نظر می رسد که تدوین کنندگان و تصویب کنندگان سیاست های کلی برای یک وزارتخانه یا یک سازمان سیاست گذاری کرده اند و نه برای آینده ای اجتماعی و فراگیر و در دل سایر پدیده های جامعه در بازه زمانی چشم اندازی بیست ساله.

- عدم پاسخگویی دستگاه های مجری به مجمع

بررسی عملکرد قوای سه گانه نشان می دهد که گروه مخاطبان و ذینفعان سیاست های کلی تاکنون پاسخگویی مناسبی به مجمع تشخیص مصلحت نظام نداشته اند. بخشی از این کم کاری یی یا بی کاری در عملکرد نادرست قوای سه گانه پیرامون سیاست های کلی نظام است و بخش دیگر آن به عملکرد مجمع و نقش آفرینی ارگانیک سیاست های کلی در کشور است. هر دو بخش از عدم پاسخگویی ها دارای اهمیت اند و باید برای برطرف شدن آنها تدابیر جدی اندیشیده شود. ذات سیاست گذاری با آگاهی های جامعه ارتباط دارد و تحقق آن بدون پرسشگری و پاسخگویی امکان ندارد.

- ضعف کار تخصصی و مبنایی در مجمع

بررسی حیات اجتماعی سیاست های کلی نظام در طول سه دهه گذشته بیانگر این موضوع است که علیرغم فعالیت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام تا چند سال پیش، مجمع، کار تخصصی و مبنایی پیرامون سیاست های کلی نظام انجام نشده است. برخلاف روش جاری مجمع در تدوین و تصویب سیاست های کلی، با ملاحظه موابلیم ناکارآمدی به هر دلیل می بایست روند تصویب این سیاست ها با ضمانت اجرای کارآمدی تغییر کند. تداوم روش ناکارآمد به ناکارآمدی روندهای فرادستی و فرودست سیاست های کلی منجر می شود و بصورت چرخه معیوب بر سایر حوزه های جامعه نیز سربایت می کند. استفاده از توان علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی تخصصی در امین زمینه می تواند به کاستی موجود در این زمینه پاسخ مناسب بدهد.

- عدم انتشار مذاکرات مجمع بصورت مستقیم از رسانه های گروهی یکی از موزعات مهم در امر اطلاع رسانی عمومی قوانین و مقررات کشور، ناکافی بودن انتشار مذاکرات طریق روزنامه رسمی کشور است. بسیار مهم است مشروح مذاکرات کمیسیون اصلی و فرعی و صحن مجمع تشخیص از طریق رسانه های گروهی بطور مستقیم منتشر گردد. انتشار مستقیم مراحل تدوین و تصویب سیاست های کلی علاوه بر شفاف سازی بر ارتقای سطح آگاهی های عمومی تأثیر بسزایی دارد و می تواند بر جامعه پذیری قانون در کشور مؤثر باشد و زمینه های گفتمان اجتماعی سیاست های کلی نظام را فراهم کند. سیاست های کلیی در جامعه با هاله ای از ابهام و غیرشفافیت همراه است که با اطلاع رسانی عمومی می توان آن را از بین برد.

- نامشخص بودن دامنه اعتبار زمانی مصوبات مجمع

سیاست های کلی نظام دارای قید زمانی برای دامنه اثرگذاری فرودست و تأثیرپذیری فرادست خود نیست. گذر زمان و تغییرات زودگذر جامعه

## چالش قانون

موجب می شود که امر سیاست گذاری، بیش از پیش دشوار شود. تغییر و تحولات جامعه در سه دهه گذشته به گونه ای برق آسا بوده است که نمی توان و نباید با سیاست های کلی مربوط به سه دهه گذشته کارسازی شود. ذات سیاست ها به پیش بینی سنبالیت سیاست در گذر از تحولات اجتماعی وابسته است. با امر ثابت محدود به عقلانیت محدود بشر نمی توان به تحلیل و برنامه ریزی نیازهای پیچیده و روزآمد جامعه ای سیال پرداخت.

- ناتوانی سیاست های کلی در تحقق چشم انداز بیست ساله چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران از طریق سیاست های کلی به برنامه های توسعه پنج ساله تبدیل می شود. ناکامی مجموعه سیاست های کلی در برآوردن اهداف از پیش تعیین شده قانون اساسی بطور طبیعی ناتوانی آنها را در عدم تحقق اهداف چشم انداز بیست ساله در ذهن تداعی می کند. البته نظر اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز موید عدم موفقیت سیاست های کلی نظام در تحقق افق چشم انداز است. راه ورود محتوای چشم انداز به ادبیات برنامه ریزی کلان کشور از طریق سیاست های کلی است و با وضع موجود نقش آفرینی سیاست های کلی، عملیاتی شدن چشم انداز برابر زمان بندی تعیین شده، دور از انتظار است.

- آشفتگی اولویت بندی در بین مواد سیاست های کلی

معمولا مواد سیاست های کلی از نظر محتوا دارای اولویت بندی اند که بر اساس آن در بدنه آن در قالب سلسله مراتبی قرار می گیرند. وجود آشفتگی در تدوین و تصویب سیاست های کلی، نظام اولویت های موجود بین بندهای مختلف را مختل می کند و مجریان سیاست های کلی در قوای سه گانه نمی توانند از حداکثر توانمندی خود در راستای اجرای سیاست های کلی استفاده بیهینه کنند. گو اینکه در مجموعه سیاست های کلی اولویت بندی خاصی نیز اعلام نشده است و بنظر نمی رسد که تدوین مواد ابتدایی نسبت به مواد انتهایی دارای اهمیت بیشتری اند که باید مورد توجه قرار گیرد.

- محدود بودن زمان کاربرد سیاست های کلی در بازه زمانی خاص اجرای دایمی سیاست های کلی وابسته به تصمیم گیری های قاطعی است که اگر مبتنی بر داده های نادرست یا با احتمال خطا همراه باشد می تواند آثار و نتایج ناگاری در جامعه بر جای بگذارد.

تأثیر زمان و مقتضیات آن بر اندیشه تدوین کنندگان و تصویب کنندگان سیاست های کلی قطعی است و با تغییر آن ضروری است که سیاست های کلی نیز هماهنگ با آن تغییر کند.

- توجه به کارآمدی سیاست های کلی قبل از تصویب دایمی آنها قوانین آزمایشی برای تبدیل شدن به قوانین دایمی نیازمند اثبات کارآمدی خود در بازه زمانی و مکانی مورد نظر قانونگذاران هستند. اصول قوانین کارآمد بصورت قوانین دایمی مصوب و اجرا می شوند و دوران آزمایشی زمانی برای اثبات همین ادعاست. البته قانونگذاران در تشخیص کارآمدی قوانین، دارای مشکلات متعددی هستند اما با وجود این مشکلات، آزمایشی بودن سیاست های کلی در فهم بهتر و تصمیم گیری بهتر قوانین دایمی کمک شایانی می کند. مناسفانه در تشخیص کارآمدی سیاست های کلی اعم از دانهی، و آزمایشی، مشکلاتی در قانونگذاری کشور وجود دارد که معمولاً ناشی از عدم دسترسی به داده ها و یافته ها و شواهد میدانی ناشی از اجرای سیاست های کلی است.

- عدم رعایت ارزش رتبه ای مطالب مندرج در سیاست های کلی

اصولا بخش های گوناگون هر قانون یا متن قانونی دارای ارزش محتوایی یکسانی نیست.

برخی از موضوعات بر بعضی دیگر دارای ارجحیت هستند. در واقع مطالب مندرج در یک قانون از نظر میزان تأثیرگذاری بر اجرای صحیح قانون دارای وزن های متفاوتی هستند. برای نظم بخشی بین مطالب دارای ارزش یکسان در یک بسته یا قسمت خاص، کل مطلب قانون بصورت رتبه ای عنوان گذاری و از یکدیگر جدا می شوند. ارزش گذاری واحد به محتوای دارای عنوان واحد به وزن دهی متناسب در کل محتوای مندرج در یک قانون می انجامد که در نوع خود با قانون بدون ارزش گذاری رتبه ای محتوا کاملا متفاوت است. البته در این روش مطالب مهم تر بر مطالب کم اهمیت تر دارای تقدم اند.

- محدودیت صلاحیت تقنینی سیاست های کلی بدون تردید وجود مراکز و مراجع متعدد مقررده گذاری در کشور، صلاحیت تقنینی همه آنها را محدود می سازد. با وجود تعدد قانونگذاران، امکان بروز رفتارهای سلیقه ای افزایش می یابد. با وجود مراکز متعدد و موازی برای قانونگذاری، بخش های قابل ملاحظه ای از مقررات کشور از دامنه شمولیت قانونگذاری مجلس شورای اسلامی خارج

می شود و به جهت داشتن متولی خاص، جامعه شاهد بروز تزامن آرا و نظرات کارشناسی است. سردرگمی جامعه از این جهت است که نمی داند که مراکز و مراجع متعدد متولی امر مقررده گذاری اند.

به هر حال محدودیت صلاحیت و حوزه تقنین سیاست های کلی به صلاح کشور نیست چون معمولاً مراکز و مراجع موازی در قانونگذاری معمولاً انتخابی از سوی مردم نیستند که با مردم موازی دینی سازگاری نسلذ

- وارد شدن آسیب جدی به ثبات و نظم نظام حقوقی

قدرت قانونگذاری در جامعه در صورت مراکز قانونگذاری متعدد، به بردهای کوچکتر تقسیم می شود و نهایتاً در جزئی ترین موفله های قانونی از پادها می روند. وجود مراجع گوناگون تقنینی با مقررده گذاری غیرقابل کنترل و نظارت شده، قطعاً به بی ثباتی و بی نظمی در نظام حقوقی جامعه منجر می شود که ناشی از فقدان اهداف بلندمدت و میان مدت متناسب برای آن است. با خلا وجود اهداف کارآمد نمی توان به ثبات قانون و نظم بخشی به نظام حقوقی امید داشت. سیاست های کلی ناکارآمد می تواند به عنوان اسناد فرادست کشور می تواند ثبات و نظم نظام حقوقی کشور را با مشکل مواجه سازد.